

دلال‌ها به خانه برمی‌گردند

بازار مسکن با افت بازارهای رقیب برای دلال‌ها جذاب شده، «فرهیختگان» ۴ راه نجات مسکن را بررسی کرده است

گونه‌شناسی مواجهه سیاسیون با مساله مدارس غیرانتفاعی

خطر تحریف عدالت آموزشی

همین صفحه و ۱۶ را بخوانید

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان
۱۶ صفحه
تهران ۴۰۰۰ تومان
شهرستان‌ها و واحدهای
دانشگاهی ۱۵۰۰ تومان

فرهیختگان

شماره مسلسل ۲۶۴۲
شبه ۱۱ آبان ۱۳۹۸
۴ رجب‌الاول ۱۴۴۱
۲ نوامبر ۲۰۱۹
شماره ۲۸۹۶

Nov 2019 | vol.10 | No. 2896 | 16 Pages

«فرهیختگان» دلایل جامعه‌شناسانه و هنری بیننده‌های زیاد فصل سوم «ستایش» را بررسی کرد

چرا فیلم‌فارسی دیده‌شد؟

۳۳

بررسی «فرهیختگان» از لزوم تداوم اقدامات ایران در مسیر کاهش تعهدات هسته‌ای

چرا باید گام چهارم قوی باشد؟

۲

سیاست جدید دانشگاه آزاد اسلامی برای تقویت پژوهش

تبدیل فضاهای بلااستفاده به مراکز فناوری و نوآوری

۳

«فرهیختگان» بررسی کرد

پاسخ به ۱۶ سوال پرتکرار از طرح پایش

۸،۶

سر مقاله

خطر تحریف عدالت آموزشی از آنچه می‌بینید به شما نزدیک‌تر است



محمد زعیم‌زاده

جانشین سردبیر

نوع مواجهه این روزهای گروه‌های سیاسی با مساله عدالت آموزشی، پرتره‌ای قابل‌تامل و نه‌چندان دلچسب از فضای سیاسی کشور است. جریان‌های مختلف سیاسی که با ساخت‌های کلاسیک عموماً از فضای عمومی جامعه‌جا مانده‌اند و در فضای متکثر فعلی که متأثر از انقلاب رسانه‌ای است توان نمایندگی همه ایده‌ها و سلاقی مردم را ندارند، دوباره نشان داده‌اند استفاده سیاسی از یک مساله اجتماعی را که اتفاقاً همه آنها در پدیدآمدنش مؤثر بودند، به حل مساله ترجیح می‌دهند.

ماجرای عدالت آموزشی که این روزها با انتشار بخش‌هایی از یک گفت‌وگوی تلویزیونی در شبکه‌های اجتماعی درخسوخ مدارس غیرانتفاعی کارشناسی دوباره به مساله‌ای عمومی تبدیل شده، موضوعی است که پیش‌تر در همین روزنامه سعی کرده بودیم ابعاد مختلف آن را بررسی کنیم.

از برخی ناهنجاری‌های حاصل از تبعیض گفتیم که از پیش‌دبستانی و دبستان آغاز می‌شود و تا دانشگاه و میزهای مدیریتی امتداد می‌یابد و طبقه‌ای از مدیران را می‌سازد که منقطع از جامعه بعدها به مناصب تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز می‌رسند و می‌شود آنچه نباید بشود.

در بخشی از تحلیل و به‌عنوان یک آسیب مهم اشاره کرده بودیم تعداد کثیری از سیاسیون با گرایش‌های مختلف از اصولگرایی سنتی و نوگرا گرفته تا اصلاح‌طلب سنتی و رادیکال با انگیزه‌های گوناگون مدرسی غیرانتفاعی تاسیس کرده‌اند و البته همان‌جا هم گفتیم که به این روند دو انتقاد مهم داریم؛ اول اینکه برخی از این مدارس در چارچوب قانون فعالیت مالی ندارند و باید کنشگری مالی آنها شفاف شود و دومی که مهم‌تر هم بود، این بود که بطور می‌شود سیاسیون که مسئولیت‌های کلان در سطح ریاست جمهوری یا ریاست مجلس و... داشته‌اند به‌جای تلاش حداکثری برای ارتقای سطح کیفی مدارس دولتی خود به سمت تاسیس مدارس پولی با شهریه‌های نجومی بروند؟

در برنامه چهارشنبه‌شب سیما استدلال یکی از مدافعان و موسسان ایده مدارس غیرانتفاعی که جنجالی شد و زمینه‌ساز بحث مجدد درخصوص ماجرا را فراهم آورد، خود موید نقد اصلی منتقدان بود، جمع‌بندی خطرناک شکست خوردن ایده عدالت آموزشی و ارتقای سطح مدارس دولتی و عدم وجود چاره‌ای جز تاسیس مدارس غیرانتفاعی گزاره قابل‌تاملی بود که باید بحث‌های کارشناسی جدی حول‌وحوش آن انجام شود و البته خیلی جدی‌تر باید به این مساله هم فکر کرد که اگر ایده جایگزین خطرناکی که توسط نومیدان از عدالت آموزشی تجویز می‌شود در سایر امور مانند بهداشت و درمان یا مسائل اقتصادی مثلاً در حوزه نفت و... بدون در نظر گرفتن اصولی

چون شفافیت و عدم استفاده از رانت اطلاعاتی کاربست پیدا کند - که تا حدودی هم اتفاق افتاده است - چه بر سر عدالت خواهد آمد؟

موضوع عدالت آموزشی و حداقلی شدن تبعیض در این حوزه یک بحث فنی و مهم در حوزه عدالتخواهی است که در جوامع مختلف متناسب با ایده حکمرانی‌شان پاسخ‌های متفاوتی برای آن یافته‌اند، پاسخ‌هایی که متناسب با ظرفیت‌های اجتماعی و اقتصادی کشورها به نتایج موفق یا ناموفقی رسیده است، مسیری که گام اولش تلاش برای ایجاد یک فهم عمومی توسط گروه‌های مرجع بوده.

اما به‌نظر می‌رسد در کشور ما در میان گروه‌های سیاسی مختلف به‌جای سعی برای یک مفاهیم عمومی در این مساله و پیدا کردن یک راه‌حل برای آن، همه ظرفیت‌ها برای سوءاستفاده سیاسی و یک استفاده رونیایی انتخاباتی معطوف شده است. نگاهی به واکنش‌های پیرامون بحث‌های حاشیه‌ساز اخیر نشان می‌دهد موضع‌گیری‌ها از سه دسته خارج نبوده است؛ اول، بدنه وسیعی از فعالان دانشجویی و عدالتخواه که حسب دغدغه عدالتخواهی به میدان آمدند و تلاش کردند مساله عدالت آموزشی را به یک گفت‌وگو عمومی تبدیل کنند. جریانی که به‌نظر می‌رسد تا حدودی هم موفق بوده و توانسته فارغ از خط‌کشی‌های مرسوم سیاسی، با تمرکز بر حل مساله دغدغه‌شان را عمومی کند که این کنش اجتماعی یک اتفاق مثبت است، اینکه برابری خواهی آن هم با نگاه غیرجانچی و غیرقبیله‌ای محور مطالبه‌گری اجتماعی و مردمی باشد نشان‌دهنده امیدبخش برای آینده فضای سیاسی اجتماعی کشور است.

دسته دوم اما برخی فعالان سیاسی جریان موسوم به اصلاح‌طلب بودند که سعی کردند ماجرا را به یک دعوی سیاسی تخفیف دهند و اصلاً به روی خودشان هم نیاوردند که در بالاترین سطح سیاسی رهبران اصلاح‌طلب یعنی رئیس دولت‌های هفتم و هشتم خود از منتفعان مدارس پولی بوده‌اند و علاقه‌ای هم ندارند که به این سوال پاسخ دهند که رشد فزاینده تبعیض و تلاش برای انجام ندادن اصل ۳۰ قانون اساسی - که مهم‌ترین پشتوانه حقوقی عدالت آموزشی است - در دولت فعلی را چگونه می‌خواهند توجیه کنند؟

دسته سوم برخی سیاسیون و فعالان موسوم به جریان اصولگرا هستند که آنها هم سعی کردند از آب گل آلود ماهی بگیرند. در سوال برانگیزترین کنش سیاسی در این ماجرا فرزند یکی از سیاسیون در توییتهای بعد از انتشار حذف شد از بروز برخی تخلفات در ماجرای مدارس خبر داد، نوشته‌ای که بسیار خبرساز شد که ورود جدی دستگاه قضایی به موضوع را برای بررسی دو موضوع طلب می‌کند، هم برای صحت‌سنجی اصل ادعا و برخورد با متخلفان احتمالی و هم ورود به این ماجرا که آیا کسی صرفاً از آرزای بودن می‌تواند به اطلاعاتی دسترسی داشته باشد که برای مردم و احیاناً برخی نهادهای نظارتی هم شفاف نیست؟

یادداشت

«سریال‌فارسی» و جامعه‌شناسی کنجکاوی

محمد صالحی

روزنامه‌نگار

بررسی ابعاد سینمایی و هنری سریال‌فارسی ستایش سه نشان می‌دهد اما برخلاف این انتظار، مختصات نباید دیده می‌شد اما برخلاف این انتظار، از سطح مخاطب قابل‌توجهی برخوردار بود.

بنابراین برای تحلیل این حجم از مخاطب باید به جای ابعاد سینمایی و هنری به سراغ ابعاد فرانسیمایی و فراهنری و به شکل ویژه ابعاد اجتماعی برویم. ۱- در ابعاد اجتماعی، ساده‌پسندی و مواجهه مثبت با پیام‌های در سطح، مثل آنچه برای «عصر جدید» اتفاق افتاد، در دیده‌شدن سریال ستایش سه مؤثر بود. ستایش سه چه به لحاظ فرمی و چه به لحاظ منطقی روایت و چه به لحاظ بازی بازیگران و چه به لحاظ کارگردانی و... یک پدیده در سطح و ساده بود و مخاطب برای فهم و درک پیام سریال نیاز به هیچ تامل و زحمت فکری نداشت و همه چیز به‌سادگی در دسترس بود.

این ساده‌خواهی، یکی از پیامدهای درگیری وسیع زندگی در دهه گذشته ایرانیان یا فضای مجازی است که به‌طور شکلی و محتوایی، تحمل مخاطب را برای پیام‌های نیاز به تامل کاهش داده و مخاطب را سهل‌پسند کرده است. وقتی قرار باشد از طریق تویینتر و حداکثر ۲۸۰ حرف یا از طریق پست‌های تلگرامی و اینستاگرامی یا محدودیت کلمه وارد دیالوگ شویم و از طرف دیگر این دیالوگ در بستر تلفن همراه و حین کار و حرکت و میهمانی و... انجام شود، چه مطالب زرفی قابل‌گفت‌وگو و تامل است؟

تداوم این وضعیت و تکرار هرروزه این نوع ارتباطات به‌طور ناخودآگاه افراد را برای مواجهه مثبت با پیام‌های در سطح، ساده و عمدتاً سرگرمی‌ساز مهیا می‌کند.

۲- «جامعه‌شناسی کنجکاوی» در ایرانیان می‌تواند ابعاد دیگری از علل پرمخاطب شدن سریال ستایش را توضیح دهد. کارهای زرد و در سطح، معمولاً به شرطی مخاطب‌پسند می‌شوند که ابعاد کنجکاوی اجتماعی را درگیر خود کنند. اخبار زندگی خصوصی چهره‌های مشهور درباره ازدواج و طلاق و قهر و آشتی آنها با یکدیگر و نحوه پوشش و مدلینگ آنها و مکان آرایش و سالن زیبایی‌ای که استفاده می‌کنند و چیزهایی شبیه به اینها چرا این همه مورد توجه قرار می‌گیرد؟ برای اینکه حس کنجکاوی اجتماعی ایرانیان را می‌تواند برانگیخته کند، درحالی که دانستن و ندانستن این مطالب اهمیتی چه به لحاظ معرفتی و چه به

لحاظ کارکردی ندارد اما در عوض تا دل تان بخواهد سرگرم کننده و پرکننده اوقات‌گفت‌وگوهای دوستانه و فامیلی و وب‌گردی‌ها است. کنجکاوی به‌عنوان یک امر عمدتاً روان‌شناختی برخلاف حقیقت‌جویی و واقع‌خواهی فاقد ارزش معرفتی و کارکردی است و بیشتر تامل‌کننده احساس نیاز به نشخوار ذهنی را برطرف می‌کند.

سریال ستایش سه به‌دلیل آنکه در پی دو فصل دیگر این مجموعه ساخته شد به‌طور طبیعی از این امتیاز برخوردار بود که حس کنجکاوی اجتماعی را برانگیخته کند و سوال «چه خواهد شد» را در باره این مجموعه در مخاطب خصوصاً مخاطبی که دو فصل اول را دیده بود، فعال نگه دارد و همین مساله نقطه ارتباطی این سریال‌فارسی با مخاطب است. این کنجکاوی اجتماعی قابل ارتباط با یک مقوله سینمایی به نام تعلیق است. تعلیق یکی از مفاهیم کلیدی سینمایی است که هیچ‌کاک، پرآوازه‌ترین سینماگر کلاسیک از آن استفاده کرده است.

تعلیق در سینما دو شکل دارد؛ وجه نخست ایجاد این کنجکاوی در مخاطب است که فرجام قصه فیلم چه خواهد شد و بر سر قهرمان و ضدقهرمان چه خواهد آمد؟ وجه دوم تعلیق در سینما به جای چپستی اتفاقات، بر چگونه رخ‌دادن حوادث و چگونگی فرجام یافتن فیلم تأکید دارد که تعلیق در صورت دوم ابعاد فنی‌تر و سینمایی‌تری دارد و پیشتر در فیلم‌های جدی‌تر است که به وجه امتیاز کار سینمایی تبدیل می‌شود. سریال ستایش سه چه متکی به تعلیق پدیدآمده از دو فصل گذشته و چه تعلیق شکل گرفته در طرح حوادث و رخدادها و کاراکترها در خود ستایش سه، متکی به تعلیق از نوع اول و مربوط به کارهای در سطح است. این کنجکاوی آنقدر شدت دارد که مخاطب منطقی تصادف روایت و همه آنچه فیلم‌فارسی را فیلم‌فارسی می‌کند و حتی ساده‌ترین کارها مانند مناسب بودن چهره‌ها با گریم از نظر سنی را نیز نادیده می‌گیرد و ستایش، قهرمان سریال می‌تواند در چهره‌ای حتی جوان‌تر از فصل دوم و عدم تناسب با سن و سال کاراکتر به ایفای نقش بپردازد. این کنجکاوی اجتماعی مساله مهمی است که در سطوح گوناگون بر زندگی ایرانیان مؤثر بوده است.

این کنجکاوی اجتماعی همان خصلتی در ایرانیان است که می‌تواند همه عرصه‌های مهم و اساسی را تحت‌تأثیر خود به حاشیه‌برد و حاشیه در فوتبال و سینما و سیاست و فرهنگ و اقتصاد بر متن چیره و غالب شود و به‌پاشنه‌آشیل حل مسائل ایرانیان به‌لحاظ تاریخی تبدیل شود.

خبر

سیدحسین نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان:

آمریکامانع حل مشکلات لبنان می‌شود

سیدحسین نصرالله می‌گوید آمریکا نمی‌خواهد لبنان از وضعیت کنونی‌اش خارج شود، به همین دلیل هم تمام راه‌ها را برای حل بحران اقتصادی لبنان بسته است تا مشکلات لبنانی‌ها حل نشود. دبیرکل حزب‌الله با اشاره به مخالفتش با اسقاط دولت، نخستین اثر آن را تعلیق اصلاحات در کشور دانست. به گزارش خبرگزاری‌ها، سیدحسین نصرالله، دبیرکل حزب‌الله در هفتمین روز درگذشت علامه سیدجعفر مرتضی‌العاملی، با اشاره به خدمات این عالم بزرگوار به تحولات لبنان پرداخت و گفت: «هم و غم حزب‌الله لبنان در مدت اخیر مانع شدن از خلأ سیاسی بود و به‌رغم اینکه برخی گروه‌ها به‌دنبال خلأسیاسی و اسقاط کردن دولت و جنجال‌سازی یا برگزاری انتخابات دیگر بودند، اما حزب‌الله تلاش کرد همزمان با توجه به خواسته‌های صادقانه مردمی و با توجه به شرایط خطرناک، با مسئولیت‌برخورد کند و به‌دور از شعار دادن به روشنگری بپردازد.»

وی در ادامه گفت: «دولت در حالی استعفا کرد که ما خواهان آن نبودیم، نخست‌وزیر دلایلی برای استعفا داشت و از جمله پیامدهای این استعفا، تعلیق بسته اصلاحات بود.»

دبیرکل حزب‌الله تأکید کرد: «زمانی که ما می‌گفتیم دولت نباید استعفا دهد، نگران حزب‌الله یا مقاومت نبودیم. ما بیش از هر زمان دیگری و در هر بعدی قدرتمند هستیم. ما هنوز برگ‌برنده‌های خود را رونکرده‌ایم و نباید در موضعی که تاکنون گرفته‌ایم دچار اشتباه شویم. تمامی مواضع ما به علت نگرانی برای لبنان است.»

نصرالله در ادامه سخنان خود به نقش واشنگتن در تحولات کنونی لبنان اشاره و تصریح کرد: «باید از نقش آمریکایی سخن گفت که مانع خروج لبنان از وضعیت کنونی‌اش می‌شود. واشنگتن سعی دارد اقتصاد لبنان را هدف قرار دهد و این یک اتهام سیاسی نیست بلکه مدارک آن موجود است. آمریکا تمامی راه‌ها را برای حل بحران‌های اقتصادی لبنان بسته است و مانع از این می‌شود که لبنانی‌ها از مشکلات خود خارج شوند و به فشارهای خود به لبنان در جهت تحمیل شروط خود در آینده ادامه می‌دهد درحالی که تمامی مردم لبنان به‌دنبال استقلال سیاسی هستند.»

وی از رهبران سیاسی خواست مانع از کشیده‌شدن اعتراضات به محل ناصواب خود از جمله مسائل نژادی و مذهبی شوند و سعی کنند ملی‌گرایی، جوهره اصلی اعتراضات بماند. دبیرکل حزب‌الله لبنان با احتمال تشکیل دولتی کوچک‌تر در لبنان، از تمامی مردم و گروه‌های سیاسی خواست تمامی تلاش خود را برای همکاری با این دولت به کار گیرند و گفت امروز یک مسئولیت سیاسی بر گردن تمامی گروه‌های سیاسی و مردم است که نباید بگذارند لبنان به سمت خلأسیاسی برود و هر دولتی که می‌خواهد تشکیل شود باید ابتدا به مطالبات بحق مردمی گوش دهد. او حکومت جدید را به تدوین برنامه‌ای برای پاسخ به مطالبات مردمی، بازگشت اعتماد میان مردم و دولت، جدیت و تلاش ملزم کرد و گفت زمان اندکی در اختیار دولت جدید است و مردم منتظر اقدام عملی هستند.